



موسیقی و نقاشی

صورت‌ظاهر «رولان اودو»^۱ نقاش معاصر فرانسوی برخلاف تصویری است که می‌توان از یک نقاش داشت. شباهت زیادی به استاد ریاضی، کارمند و باشیمیست دارد. بنظر می‌آید به حرفه‌ای که در آن نظم و دقت فوق‌العاده را ایجاد کند وابسته باشد. بهر حال قیافه وی شباهتی به هنرمندان ندارد، معنای یکی از بهترین نقاشان معاصر فرانسه است. با نگاه متعجب، لبهای ظریف، و موهای منظم که بدو طرف تقسیم شده و لحن گرم و ملایم، مرا در آپارتمان جدیدش در یکی از محله‌های زیبای پاریس پذیرفت. کارگاه وی برخلاف کارگاههای نقاشان، تمیز، قلم‌موها و رنگها منظم چیده شده و تابلوها در جای خود آویزان بود.

بنظر می‌آمد که «رولان» بسیار محبوب است. هنگامیکه درباره موسیقی با وی صحبت کردم، شگفتگی آشکاری در قیافه این هنرمند دیدم. - بله، من باموسیقی زندگی می‌کنم. در دوره بلوغ به پیانو آشنائی

۱ - Roland Oudot

پیدا کردم. نزدیکی های شب بود که در جنگل Rambouillet سونات پاتیک بتهوون را برای اولین بار شنیدم و مبهوت شدم. تا آن زمان نام بتهوون را تنها روی آگهی های کنسرت دیده بودم. از پدر و مادرم خواهش کردم برایم پیانویی بخرند آنها آرزویم را بر آوردند و من مشغول تحصیل شدم. آنچه را که تمرین میکردم فوق امکاناتم بود. نوتها از زیر انگشتانم رد میشدند ولی من در دنیای زیبا و رؤیایی بودم مانند اینکه در جنگلی افسانه پرواز می کردم.

بزودی مسئله انتخاب پیش آمد. چون تمرین منظم نمی کردم بنواختن آثار شکل توفیق نیافتم. آثار مختلفی را از آداژیوی سونات مهتاب گرفته تا آثار کار پانتیه شومان و شوپن بدست آورده و تمرین میکردم.

- کدام آهنگساز را ترجیح میدهید؟

- شومان یکی از موسیقیدانهای است که بیش از همه بمن نزدیک است. شباهت های بسیاری پیش او و خودم میابم. کنسرتوی پیانوی وی بواسطه حالت اندوهناک، لطف و شدت آن بدل می نشیند و این تضادها را بطور عجیبی احساس میکنم.

- بنظر شما ارتباط بین موسیقی و نقاشی در چیست؟

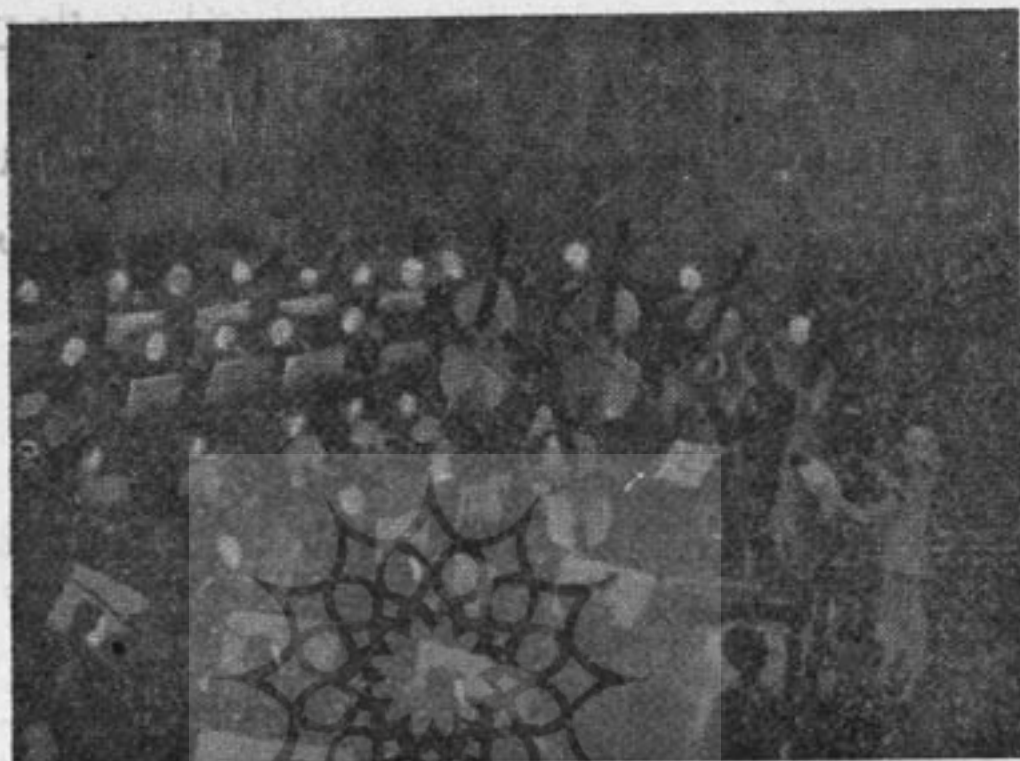
- در خیلی چیزها... کمپوزیسیون و باله اصلی هر دو یکی هستند. نقاشی از راه بینایی ب روح میرسد. موسیقی بوسیله گوش صدا بمانند رنگ و ماده است. اما چه همبستگی می تواند بین فرم و کلمه باشد؟ نقاشی ادبی هنگامی است که ادبیات از نقاشی جدا می شود. نقاشی هر چه بیشتر قابل تفسیر باشد، بیشتر موزیکال است.

- آیا برای کار کردن به موسیقی احتیاج دارید؟

- البته، ولی لحظاتی است که به سکوت نیازمندم، برای من موسیقی نمیتواند تنها زمینه صدای زیبایی باشد. موسیقی در درون من میخواند. موسیقی برایم نتیجه است و نه وسیله برای ابداع.

هنگامیکه نقاشی میکنم موسیقی را بهتر میشنوم و آنوقت باشادی و

وقار بیشتری کار میکنم ، در این لحظات خود را خوشبخت تر احساس میکنم .
 در تابلوهای طبیعت بیجان ، اغلب آلات موسیقی را بکار برده ام . ویولون
 را در کنار شمعهای روشن - موسیقی بیشتر برایم در شعله شمع وجود دارد
 تا در ویولون .



یکی از آثار «اودو» موسوم به ارکستر کلنی

- کدام يك از آلات موسیقی بیشتر مورد توجهتان است ؟
 - پیانو ساز محبوب من است .
 کنسرتیپانوی چایکوفسکی اثر بسیاری رویم میگذارد در حالیکه قادر
 به تشخیص خوب و بد آن نیستم .
 - قبل از نقاشی گویا دکوراتور تاثیر بوده اید ؟
 - بله ، در هیجده سالگی برای امراد معاش در بالت روس ماکت و دکور
 تهیه میکردم . لئون باکت Leon Baket کورگراف معروف روزی بمن
 گفت « شما که شرقی نیستید ، به طبیعت خود برگردید و از استادان کشور خود
 که بهترین راهنمای شما هستند پیروی کنید . » تا مدتها با بالرین ها ، با
 کورگراف ها ، متور آنسن ها کار میکردم . این محیط را دوست داشتم . در

سال ۱۹۵۲ دو باره باتیبه دکور باله «Fourberies» اثر سرژ لیفار،
تونی اوپن و روبرت مانوئل به اوپرا برگشتم.

محیط کنسرت را نیز دوست دارم، از «اوا بوش» که ارکستر کولونی را
رهبری میکرد تا بلوئی تهبیه کردم. درلژ کوچکی از اجراکنندگان کنسرت
طرح هائی می ساختم.

«رولاند اودو» بهار و پاییز را در ایالت پرووانس در جنوب فرانسه
میگذرانند و عقیده دارد که برای نقاشی مکانی بهتر از دامنه های آلپ بانور
فراوان آن وجود ندارد.

ترجمه پدیدده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی